



دیدار با امام عصر(عج) و توقیع علی بن محمد سمری

یکی از اشکال‌های معروف مطرح شده در موضوع دیدار با امام زمان(عج) توقیع صادر شده از طرف ایشان برای علی بن محمد سمری است.

یکی از اشکال‌های معروف مطرح شده در موضوع دیدار با امام زمان(عج) توقیع صادر شده از طرف ایشان برای علی بن محمد سمری است. ظاهر این توقیع وقوع ملاقات را نفی می‌کند اما با تحقیق صورت گرفته معلوم شد: سند توقیع ضعیف است و برای استناد و رد دیدارها حجیت ندارد.

بخش دوم و پایانی

احتمال‌های ممکن در معنای «ادعای مشاهده»

حال که روشن شد ادعای مشاهده را نمی‌توان به ادعای دیدارهای صرف که در دوران غیبت اتفاق می‌افتد حمل نمود، باید دید چه احتمال‌های دیگری وجود دارد.

احتمال اول. ادعای سفارت

گروهی معتقدند چون فراز اول نفی واسطه (سفیر) و نایب خاص است، فراز سوم به فراز اول اشاره دارد. امام می‌فرماید: «سفارت تمام شد، اما کسانی خواهند آمد که ادعای سفارت و باییت خواهند کرد.» پس منظور از ادعای مشاهده، ادعای مشاهده امام عصر(عج) به عنوان نایب خاص و رابط بین امام و امت است؛ یعنی فرد، خود را باب امام معرفی می‌کند و این‌که پیام امام را برای آن‌ها می‌آورد و می‌تواند سخن آن‌ها را نیز به امام برساند. فراز سوم چنین کسی را دروغ‌گو و بهتان‌زننده به امام معرفی می‌کند؛ یعنی امام چنین مأموریتی را به وی نداده است و او به دروغ این نسبت ناروا را به امام منتسب می‌کند.

این احتمال، نظر مشهور علمای شیعه است: علامه محمدباقر مجلسی (م 1111ق) (مجلسی، 1404: ج 52، 151)، سیدعبدالله شبر (م 1220ق) (شبر، 1403: 36)، شیخ محمود عراقی (م 1308ق) (عراقی میثمی، بی‌تا: 193)، محدث نوری (م 1320ق) (طبرسی نوری، بی‌تا: ج 53، 319)، سیدمحمدتقی اصفهانی (م 1348ق) (موسوی اصفهانی، بی‌تا: ج 2، 336)، علی‌اکبر نهایندی (م 1369ق) (نهایندی، 1386: ج 3، 165، ج 6، 819 - 834)، سیدمحسن امین (م 1371ق) (امین، بی‌تا: ج 2، 71)، سیدصدرالدین صدر (م 1373ق) (صدر، 1421: 183)، سیدابوالقاسم خوئی (م 1411ق) (تبریزی، 1418: ج 2، 449)، شیخ لطف‌الله صافی گلپایگانی (معاصر) (صافی گلپایگانی، بی‌تا: ج 2، 213)، سیدمحسن خرازی (معاصر) (خرازی، 1418: ج 2، 159) از این گروه هستند.

به این احتمال، سه اشکال وارد کرده‌اند: اشکال اول: شهید سیدمحمد صدر می‌نویسد: این حمل و تفسیر که منظور، ادعای مشاهده به همراه ادعای نیابت باشد، برخلاف چیزی است که از ظاهر عبارت امام(ع) در بیانشان به دست می‌آید؛ چون در این فرض نیاز است که قیدی یا لفظی به عبارت امام افزوده گردد (المشاهدة مع النیابة) در حالی که قرینه‌ای بر وجود آن قید و لفظ نداریم. (صدر، 1412: 644)

پاسخ این اشکال از سخنان معتقدان به این احتمال روشن است؛ زیرا آن‌ها صدر توقیع را که نفی نیابت بود و ذیل توقیع را که واژه «مفتر» داشت و نیز سیاق را قرینه این وجه بیان کرده‌اند. شیخ محمد سند نیز «فاء» را در «فقد وقعت الغیبة» فاء تعلیل یا تفریع می‌داند و دلیل نفی نیابت می‌شمارد. (سند، 1381: 34 - 35)

اشکال دوم: آقای ذاکری می‌نویسد: این سخن (سیأتی شیعتی ...) ربطی به ادعای مشاهده همراه با نیابت ندارد؛ زیرا ختم نیابت و سفارت، پیش از این مطرح شد و این‌جا مسئله ادعای مشاهده حضرت، از سوی شیعیان مطرح است. (جمعی از نویسندگان، 1382: 49) ظاهراً منظور ایشان این است که نیابت در فقره پیشین نفی شده و حمل مشاهده بر دیدار همراه با نیابت موجب تکراری شدن فقرات توقیع می‌شود.

پاسخ این اشکال نیز از تبیین فرازهای توقیع روشن شد؛ زیرا گفتیم فراز سوم متفرع بر دو فراز اول است؛ یعنی امام بعد از نفی نیابت در فقره اول و بیان علت این نفی در فقره دوم که وقوع غیبت دوم است در فقره سوم، خبری غیبی را به صورت هشدار

بیان می‌کند و حکم آن‌ها را نیز بیان نموده و می‌فرماید: آنچه را ما نفی کردم و دلیل آن را بیان کردیم، گروهی ادعا خواهند کرد. آن‌ها دروغ‌گو هستند. پس این فقره در مقام اخبار و هشدار است و اگر ناظر به نیابت باشد تکراری محسوب نمی‌شود؛ زیرا اول نفی می‌کند، بعد هشدار می‌دهد کسانی این ادعا را خواهند کرد؛ از آن‌ها قبول نکنید، آن‌ها دروغ می‌گویند.

اشکال سوم: آیت‌الله دوزدوزانی می‌نویسد: الف) حمل جمله «الا فمن ادعی المشاهدة» (هر کس که ادعای دیدار کند) بر دیدار همراه با ادعای نیابت سخنی نامعقول است؛ چون معنای جمله این می‌شود که به زودی برای شیعیانم کسانی می‌آیند که دعوی مشاهده با نیابت را دارند. آگاه باشید که هر کس پیش از خروج سفیانی ادعای مشاهده همراه با نیابت داشته باشد، دروغ‌گو و افترا زنده است، در حالی که خروج سفیانی تنها نهایت ظهور و مشاهده است، نه ظهور همراه با ادعای نیابت.

ب) تقیید در دیدار و مشاهده به ادعای نیابت با قطع نظر از ذیل روایت و جمله پیش از خروج سفیانی نیز صحیح نیست و این با توجه به صدر توقیع است؛ چون جمله «غیبت کامل تحقق یافت و ظهوری نیست، مگر پس از اذن الهی...» ظاهر در این است که ملاک و عنایت به همان ظهور حضرت است و این‌که در غیبت کبری دیدار او ممکن نیست و پس از تمام شدن مدت و اذن الهی به ظهور، هر کس او را می‌بیند. (دوزدوزانی، بی‌تا: 56 - 57)

در پاسخ اشکال اول که مدعی شده‌اند این احتمال به هیچ وجه عقلانی نیست، باید گفت برخلاف ادعای ایشان می‌توان خروج سفیانی را غایت نفی نیابت دانست، به این شکل که بگوییم امام(عج) تا خروج سفیانی نایب خاص نخواهد داشت، اما با خروج سفیانی که از علایم حتمی ظهور است و چند ماه پیش از قیام رخ خواهد داد، امام(عج) فردی را به عنوان نایب خاص مأمور خواهد کرد تا آمادگی‌هایی را ایجاد نماید و پیام امام(عج) را به نواحی گوناگون برساند؛ مانند نفس زکیه که به عنوان نایب خاص امام(عج)، پانزده شب پیش از قیام به مکه اعزام می‌شود تا پیام امام(عج) را به مردم مکه ابلاغ کند. (مجلسی، 1404: ج 52، 307، ح 81)

بنابر این، حمل این علایم حتمی بر نیابت خاص عقلانی است و با این استدلال نمی‌توان نیابت را رد کرد، هرچند به نظر نگارنده، حمل آن به غایت نیابت در عین معقول بودن، مرجوح است و احتمال راجح حمل بر ظهور است که در احتمال دوم بررسی می‌شود.

در پاسخ اشکال دوم باید گفت چنان‌که پیش از این اشاره شد، دو فراز پیش از فراز سوم وجود داشت و احتمال اول در مشاهده که مشاهده نیابتی است، با توجه به فراز اول گفته شده است. یعنی فراز سوم بر فراز اول حمل شده است و امام فرمودند نیابت منتفی است و غیبت دوم واقع شده است و ظهوری نخواهد بود، اما هشیار باشید که کسانی ادعای نیابت خواهند کرد. پس نمی‌توان گفت حمل فراز سوم بر فراز اول صحیح نیست و نمی‌توان حمل کرد. البته چنان‌که در پاسخ قبل گفتیم، می‌توان ادعا کرد این حمل مرجوح است و حمل راجح حمل بر فراز دوم است که در احتمال دوم در مشاهده از آن بحث می‌شود.

احتمال دوم. ادعای حضور امام

چنان‌که گفتیم، فراز دوم از وقوع غیبت خبر داد و این‌که غیبت تمام نمی‌شود و ظهور اتفاق نمی‌افتد، مگر بعد از مدت‌زمانی طولانی. حال فراز سوم می‌تواند برای این فراز هشدار باشد و امام بفرماید با آن‌که غیبت دوم شروع شده و به زودی هم تمام نمی‌شود، اما کسانی می‌آیند و ادعا می‌کنند که غیبت تمام شده است و آن‌ها حضور امام در جامعه را درک کرده‌اند. پس منظور از ادعای مشاهده، ادعای حضور ظاهری امام عصر(عج) در جامعه است. علی‌اکبر نهاوندی (نهاوندی، 1386: ج 2، 584)، محمدجواد خراسانی (خراسانی، 1378: 93) و سیدمحمد صدر (صدر، 1412: ج 1، 653) این احتمال را بیان کرده‌اند و به نظر می‌رسد این احتمال برتر است.

قرینه‌های این احتمال عبارتند از: لغت: همه اهل لغت در واژه «شهد»، معنای حضور را لازم دانسته‌اند؛ معنایی که با غیبت در تضاد آشکار است و همین سبب شده است شهود در مقابل غیب (عالم الغیب و الشهادة) باشد. از دیدگاه لغوی، منظور از ادعای مشاهده، ادعای حضور است. اصطلاح روایات: با نگاهی به روایات درمی‌یابیم امامان(ع) مشاهده را در مقابل غیبت و به معنای حضور ظاهری امام در جامعه برشمرده‌اند.

الف) «مَا صَارَتْ بِهِ الْعَيَّةُ عِنْدَهُمْ بِمَنْزِلَةِ الْمَشَاهِدَةِ.» (صدوق، 1395: ج 1، 319، ح 2) ابوالخالد کابلی می‌گوید: خدمت سرور امام سجاد علی بن الحسین زین‌العابدین(ع) رسیدم... حضرت به من فرمود: «ای اباخالد! مردم زمان غیبت امام دوازدهم(عج) که قائل به امامت اویند و منتظر ظهورش، برتر از مردم هر زمانی هستند؛ چون خداوند تبارک و تعالی عقل و فهم و معرفتی به آنان داده که غیبت نزد آنان به سان حضور گشته است.»

امام سجاد(ع) می‌فرماید: «غیبت به مشاهده تبدیل شده است» و روشن است که تناسب ذکر عقل و فهم و معرفت، مانع آن است که مشاهده به معنای دیدن مقطعی و اتفاقی باشد، بلکه از حضور و دیداری مستمر حکایت دارد.

ب) «الْمُنْقَطِعُ عَنْ مُشَاهَدَتِنَا يَتِيمٌ»؛ (طبرسی، 1403: ج 1، 15) رسول خدا(ص) فرمود: «سخت‌تر از یتیمی یتیمی که از پدر و مادر جدا شده، یتیمی یتیمی است که از امامش جدا افتاده است و دستیابی به او برایش مقدور نیست و وظیفه‌اش را در ارتباط با شرایع دینش که به آن مبتلا می‌شود، نمی‌داند. هشدار!

هر کس از شیعه‌ها ما که با علوم ما آشنا باشد و این جاهل به شریعت ما که از مشاهده ما محروم است، یتیمی است در دامان او. هشدار که هر کس او را هدایت و ارشاد کند و شریعت ما را به او بیاموزد او با ما در رفیق اعلی همراه است! امام، کسی را که امکان دسترسی به امام زمان(عج) را ندارد، منقطع از مشاهده معرفی می‌کند. در این‌جا مقصود، کسی است که نمی‌تواند به حضور برسد، نه این‌که گاهی نتواند امام را ببیند.

ج) «الْمُنْقَطِعِينَ عَنَّا وَ عَنْ مُشَاهَدَتِنَا.» (همو: 17) امام موسی بن جعفر(ع) فرمود: «آموزش دادن آن‌چه یتیمی از ایتام ما _ که از ما و حضور ما جدا افتاده _ نیاز دارد، توسط یک فقیه، بر شیطان از هزار عابد سخت‌تر است.» عطف «مشاهده» به «نا» و واژه «انقطاع»، معنای حضور را می‌رساند، نه دیدارهای متفرقه.

د) «وَ أَنْ أُغِيبَ عَنْ مُشَاهَدَتِكَ وَ التَّظَرُّ إِلَى هَدْيِكَ وَ سَمْتِكَ.» (همو: ج 2، 330) روزی امام سجاد(ع) در مجلس خود نشسته بود و فرمود: «هنگامی که رسول خدا(ص) مأموریت یافت به تبوک برود، دستور یافت حضرت علی(ع) را در مدینه جانشین خویش سازد. امام علی(ع) گفت: ای رسول خدا(ص)! من دوست ندارم برای انجام کاری از کارهایتان از شما باز بمانم و از حضورتان و نگاه به سیره و روش شما محروم شوم. رسول خدا(ص) فرمود: ای علی! آیا خشنود نیستی که تو نسبت به من، به منزله هارون نسبت به موسی باشی، با این تفاوت که پس از من پیامبر نیستی؟»

در این روایت، غیبت یک‌بار از «مشاهده» و بار دیگر از «نظر» بیان شده است و نشان می‌دهد منظور از مشاهده، دیدن نیست، بلکه به معنای حضور است. امیرالمؤمنین(ع) می‌فرماید: «من دوست ندارم در حضور شما نباشم و رفتار زیبایی شما را نبینم.»

واژه «فلا ظهور»: بنا به قرائن موجود، معنای لغوی آن نمی‌تواند قصد شده باشد، بلکه باید معنای اصطلاحی آن، یعنی اتفاقی که با آن غیبت تمام می‌شود و امام در جامعه حضور می‌یابد در نظر گرفته شود. وقتی منظور از ظهور، معنای اصطلاحی آن بود و فراز سوم نیز به فراز دوم حمل شد، باید مشاهده به‌گونه‌ای معنا شود که هشدار برای فراز دوم باشد. آن‌ها که ظهور را به معنای دیدار می‌دانستند، ادعای مشاهده را نیز ادعای دیدار معنا کرده بودند.

ما نیز بعد از رد آن، و اصطلاحی دانستن معنای ظهور، ادعای مشاهده را نیز ادعای حضور امام و نبود غیبت معنا می‌کنیم. پس اصطلاحی بودن معنای ظهور هم دلالت می‌کند که منظور از ادعای مشاهده، ادعایی در تضاد و تقابل با «فلا ظهور» است و آن، چیزی جز ادعای حضور امام نیست.

قرینه «قبل خروج السفیانی و الصیحه»: اشکالی آیت‌الله دوزدوزانی بر حمل مشاهده بر ادعای نیابت کرده بودند که غایت بودن خروج سفیانی و صیحه، با ظهور سازگاری دارد نه با نیابت، در آن‌جا بیان شد که هرچند اشکال ایشان وارد نیست و می‌توان با ادعای نیابت نیز معنا کرد، اما اولویت با حمل به معنای ظهور است و بهتر است فراز سوم بر فراز دوم حمل شود، نه بر فراز اول. پس این دو نشانه نیز که نشان پایان غیبت است، احتمال دوم را در معنای مشاهده که حضور امام و نبود غیبت است تقویت می‌کند.

روایات مؤید: از جمله قرائنی که این احتمال را تقویت می‌کند، روایت‌هایی است که این مضمون را می‌رساند: الف) «لَا تَرَاهُ عَيْنٌ فِي وَاقْتِ ظُهُورِهِ إِلَّا رَأَتْهُ كُلُّ عَيْنٍ فَمَنْ قَالَ لَكُمْ غَيْرَ هَذَا فَكُذِّبُوهُ.» (مجلسی، 1404: ج 53، 1) مفضل بن عمر می‌گوید: از سرورم امام صادق(ع) پرسیدم: ای سرورم! حضرت مهدی(عج) در چه سرزمینی ظهور می‌کند؟ حضرت فرمود: «چشمی در زمان ظهورش او را نمی‌بیند، مگر این‌که همه چشم‌ها او را می‌بینند و هر کس جز این به شما گفت او را تکذیب کنید.»

امام(ع) در این روایت می‌فرماید: در زمان ظهور، یا امام زمان(عج) را همه می‌بینند، یا هیچ کس نمی‌بیند و اگر کسی خلاف این ادعا را کرد و گفت: من امام را دیدم که ظهور کرده هرچند شما ندیده‌اید، او را تکذیب کنید. هنگام ظهور حضرت مهدی(عج) همه با هم او را می‌بینند. پس اگر کسی ادعا کند که من ایشان را دیدم، یعنی دیدم ظهور کرده است، او را تکذیب کنید.

در حدیث، ظهور با «لَا تَرَاهُ» خبر داده شده و در توفیق، «ادعی المشاهدة» آمده است. روشن است که هر دو به یک معناست.

پس احتمال دارد منظور از مشاهده، همان ادعای دیدن امام در حال حضور باشد؛ دیدنی که با غیبت منافات دارد و مدعی پایان آن است، نه دیدارهایی که در زمان غیبت روی می‌دهد و مدعی آن، ادعای پایان غیبت را ندارد.

ب) «لا یقوم القائمُ (عج) حتّی یقومَ اثنا عشرَ رجلاً کلّهم یجمعُ علی قولِ إثمهم قَدْ رَأَوْهُ فیکذبُهم». (نعمانی، 1397: 277، 58) امام صادق (ع) فرمود: «حضرت قائم (عج) قیام نمی‌کند تا آن‌که دوازده نفر قیام می‌کنند و همگی بر این گفته که امام را دیده‌اند اتفاق نظر دارند، ولی امام آنان را تکذیب می‌کنند.»

مرحوم نعمانی در این باره می‌گوید: امامان (ع) فرموده‌اند: هر کس از سوی ما وقتی را برای ظهور روایت کرد، نترسید که او را تکذیب کنید، هر کس که باشد؛ چراکه ما وقتی را معین نمی‌کنیم و این عادل‌ترین شاهد بر بطلان کسی است که مقام و مرتبت حضرت قائم (عج) را ادعا کند یا برای او ادعا کنند و پیش از آمدن این علامت‌ها ظهور کند، به‌ویژه که همه حالات وی شهادت می‌دهند که ادعای کسی که به نفع او ادعا شده باطل است. (همو: 283)

از این روایت نیز درمی‌یابیم گروهی پیش از آمدن نشان‌ها، ادعای دیدن امام را می‌کنند و این دیدن، نه دیدار با امام (عج) بلکه دیدن متمه‌دیان است و باید تکذیب شود. اشکال به این احتمال: به عقیده شهید صدر، امکان دارد کسی بگوید این توقیع شامل تکذیب مدعیان مهدویت نمی‌شود:

آن‌چه از گفته حضرت: «کسانی از شیعیانم می‌آیند که ادعای مشاهده می‌کنند.» به دست می‌آید، هشدار است نسبت به ادعاهای منحرف در درون حوزه شیعه و پایگاه‌های مردمی. بنابراین ادعاهای مهدوی که بیرون از این چهارچوب است منظور نیست؛ چون آنان از شیعیان حضرت مهدی محمد بن الحسن العسکری (ع) نیستند. با این بیان، این توقیع از تکذیب ادعاهای مهدویت ساکت است، گرچه ما کذب این ادعاها را نیز با دلیل دیگر فهمیده‌ایم. (صدر، 1412: ج 1، 654)

پاسخ: خبر دادن از دیدن مدعی مهدویت دو گونه تصور دارد: یکی این‌که دیدار کننده نیز بداند که او به دروغ ادعا می‌کند و مهدی واقعی نیست، با این حال او را تبلیغ کند. در این صورت، اشکال ایشان وارد است؛ زیرا دیدارکننده از مذهب شیعه دوازده‌امامی خارج است و این توقیع خطاب به شیعه دوازده‌امامی است. اما گونه دوم، این است که دیدار کننده نمی‌داند او به دروغ ادعا می‌کند و او را واقعاً فرزند امام یازدهم (ع) و مهدی موعود (عج) می‌داند. بنابراین، به راستی می‌پندارد امام مهدی (عج) را دیده است.

در این صورت، اشکال وارد نیست؛ زیرا وی از دایره تشیع خارج نشده است و توقیع خطاب به چنین افرادی است؛ یعنی اگر کسی پیش از سفیانی و صیحه گفت: من امام مهدی (عج) را دیدم (و او را واقعاً همان امام موعود می‌داند، نه این‌که بداند مدعی دروغین است) دروغ می‌گوید و بهتان می‌گوید. با این بیان، توقیع می‌تواند خطاب به شیعیان و رد متمه‌دیان باشد.

احتمال سوم. شناخت امام در حال دیدار

گروهی معتقدند منظور از مشاهده‌ای که امام آن را تکذیب کرده، دیداری است که بیننده در حال ملاقات امام را بشناسد و به عنوان امام با ایشان دیدار کند. شیخ حرّ عاملی (حرّ عاملی، 1425: ج 3، ص 699)، سید محمد مهدی بحر العلوم (بحر العلوم، بی‌تا: ج 3، 320) و یدالله دوزدوزانی (دوزدوزانی، بی‌تا: 4) این احتمال را بیان کرده‌اند. در میان این افراد، تنها آیت‌الله دوزدوزانی دلیل حمل بر این نظر را بیان کرده و آن، وجود معنای علم در واژه مشاهده است (هر دو طرف، دیگری را هنگام مشاهده بشناسند). (همو)

اشکال به این احتمال: آیت‌الله سید عبدالحسین طیب می‌گوید: و این جواب تمام نیست؛ زیرا اولاً در بسیاری از قضایای مذکوره، حضرت را شناخته و بسا خود را معرفی نموده است و ثانیاً اخبار مذکور مشاهده را به‌طور کلی نفی می‌کند. (طیب، بی‌تا: 547)

احتمال چهارم. دانستن محل استقرار امام

این نظر را محدث نوری، مطرح و آقای نهاوندی نیز نقل کرده، اما آقای دوزدوزانی به آن اعتراض کرده است.

در دو روایت از امام صادق (ع) چنین آمده است: 1. برای حضرت قائم (عج) دو غیبت است: یکی کوتاه و دومی طولانی؛ در غیبت اول تنها خواص از شیعیانش جا و مکان او را می‌دانند، ولی در غیبت دوم تنها خواص از خدمتکارانش جای او را می‌دانند. (کلینی، 1365: ج 1، 340، ح 19) 2. برای صاحب این امر دو غیبت است: یکی از این دو غیبت به درازا می‌کشد... بر جایگاه او احدی آگاه نیست، چه دوست و چه دیگران، به‌جز خدمتکاری که عهده‌دار کار اوست. (نعمانی، 1397: 171، ح 5)

شیخ طوسی درباره این حدیث می‌فرماید: این خبر در آنچه ما در مورد امامان قائل هستیم صراحت دارد، چون امام ما دو غیبت دارد؛ در غیبت اول، خبرها، نوشته‌ها و نامه‌هایی از او شناخته می‌شود، ولی غیبت دوم طولانی‌تر است و خبرها و نامه‌های امام از ما منقطع می‌گردد و احدی بر آن اطلاع و وقوف ندارد، مگر کسی که ویژه آن باشد. (طوسی، 1411: 61)

شیخ مفید نیز می‌فرماید: روایات از امامان پیشین که با هم هماهنگ است دلالت دارد که حضرت قائم منتظر (عج) دو غیبت دارد؛ یکی طولانی‌تر از دیگری که خواص از اخبار او در غیبت کوتاه‌بخیرند، ولی عموم جایگاه او را در غیبت طولانی نمی‌دانند، مگر کسانی از دوستان مورد اعتمادش که خدمتکاری او را به عهده دارند و به کار دیگری اشتغال ندارند. (مفید، 1413: 77)

محدث نوری نیز با توجه به این اخبار، وجه جمع ششم میان توقیع و حکایت‌های ملاقات را حمل توقیع بر دانستن مکان امام قرار داده است. (طبرسی نوری، 1404: ج 53، 325) آقای دوزدوانی به این بیان محدث نوری که مستند به روایات و موافق با نظر امامیه است، به شدت اعتراض کرده و می‌نویسد:

این پاسخ مرحوم نوری هیچ مشکلی را نمی‌گشاید و اگر جایگاه ویژه او نزد من نبود، قلم را آزاد می‌کردم و هرچه ضعف و فساد در پاسخ ایشان بود می‌نوشتم، ولی برای لزوم مراعات ادب به همین اندازه اکتفا می‌کنم که این پاسخ درست نیست. (دوزدوانی، بی‌تا: 68)

آن‌گاه دلیل صحیح نبودن کلام محدث نوری را چنین بیان می‌کند: آگاهی از جایگاه حضرت با توقیع شریف، اصلاً تناسبی ندارد. بنابراین، معنا ندارد که در مورد توقیع گفته شود جایگاه و محل حضرت برای احدی پیش از اذن الهی آشکار نیست و کسانی می‌آیند که دعوی مشاهده جایگاه و محل او را دارند. (همو)

چون نکته اصلی در معنا کردن غیبت دوم یا تامه است، از باب این‌که برخی احادیث، برخی دیگر را معنا می‌کنند، با نگاهی به دیگر روایات معلوم می‌شود تنها تفاوت دو غیبت، اطلاع و عدم اطلاع از مکان حضرت مهدی (عج) است، چنان‌که شیخ مفید نیز همین نکته را بیان نموده بود. پس بسیار معقول و منطقی است که تامه را با توجه به این روایات، عدم اطلاع از مکان معنا نماییم. یعنی علم نداشتن شیعیان خاص به مکان ایشان و به تبع آن «مدعی مشاهده» یعنی کسی که ادعا می‌کند من از محل اقامت امام اطلاع دارم و می‌توانم به محضر ایشان برسم.

احتمال پنجم. دیدار اختیاری امام

بعضی معتقدند منظور از ادعای مشاهده، دیدار همراه با ادعای اختیار است. یعنی هر زمان بخواهد می‌تواند به محضر امام برسد. سید عبدالحسین طیب (طیب، بی‌تا: 547)، لطف‌الله صافی گلپایگانی (صافی گلپایگانی، 1380: ج 3، 65) و علی‌اکبر نهاوندی (نهاوندی، 1386: ج 2، 208) این احتمال را آورده‌اند.

آقای طیب گفته‌اند مشاهده، ظهور در اختیار دارد، اما معنای اختیار در ماده مشاهده اخذ نشده است و معلوم نیست به چه دلیل ایشان این برداشت را از کلمه مشاهده کرده است. البته اگر گفته شود اختیار را می‌توان از سیاق و خطاب استفاده کرد، یعنی سفیران امام دیدار اختیاری داشتند، از این‌رو دیدار اختیاری نفی شده است، پذیرفتنی‌تر است، ولی بازگشت آن به همان ادعای نیابت خواهد بود.

جمع میان توقیع و دیدارها

احتمال‌هایی که تا کنون مطرح شد، می‌کوشیدند برای جمع میان توقیع و دیدارها، توقیع را به گونه‌ای معنا کنند که دیدارهای معمول را دربر نگیرند. در کنار این احتمال‌ها، نظرهای دیگری در توقیع وجود دارد که به جای استفاده از قرائن داخلی و معنا کردن کلمات توقیع به سراغ قرائن خارجی رفته است و توقیع را به همان معنای نفی هر نوع دیدار گرفته است. در ادامه به بیان این نظرها می‌پردازیم.

دیدگاه اول. وجود استثنا

هرچند این توقیع هر نوع دیدار را نفی می‌کند، اما باید توجه داشت که «ما من عام الا و خص». هر حکم عامی می‌تواند استثنایی داشته باشد و این موجب نقض حکم عام نخواهد بود. نظر مرحوم نهاوندی این است که توقیع ابایی از تخصیص ندارد؛ زیرا قطعاً به دیدار خدمتکاران امام استثنا خورده است و نمی‌توان به عموم آن استناد کرد. (همو)

شیخ حرّ عاملی (حرّ عاملی، 1425: ج3، ص699)، سیدمحمد مهدی بحرالعلوم (طباطبایی بروجردی، بی‌تا: ج3، 320)، محدث نوری (طبرسی نوری، 1404: 320)، علی‌اکبر نهاوندی (نهاوندی، 1386: ج2، 206) و یدالله دوزدوزانی (دوزدوزانی، بی‌تا: 81) دارندگان این دیدگاه هستند. به نظر نگارنده، سخن مرحوم نهاوندی که این توقیع به دیدار موالیان تخصیص خورده، جا ندارد؛ زیرا آن‌ها تخصصاً خارجند و اصلاً مشمول این توقیع نیستند تا تخصیصاً خارج شده باشند.

دیدگاه دوم. وجود دلیل یقین‌آور

چنان‌که در گذشته بحث شد، اگر از ضعف سند توقیع علی بن محمد سمری که موجب عدم حجیت آن می‌شود، صرف‌نظر کنیم، قطعاً باید قبول نماییم که خبر واحد است و کثرت و تواتر که بعضی ادعا کردند، اثبات‌شده نیست. خبر واحد هرچند حجت است، اما بر خلاف روایت‌های متعدد و متواتر که یقین‌آورند، تنها ظن‌آور است و موجب گمان می‌شود.

بنابراین روشن است که اگر دلیل یقین‌آوری وجود داشته باشد که دیداری با امام عصر(عج) صورت گرفته است، دیگر نمی‌توان آن را با دلیلی ظن‌آور رد کرد. پس حتی اگر بپذیریم که توقیع هر گونه دیدار را نفی می‌کند، به دلیل ظن‌آور بودن توقیع، در جایی می‌توان به آن استناد کرد که دلیل یقین‌آوری در میان نباشد؛ اگر کسی دیدار با امام عصر(عج) را ادعا کرد و دلیل متقن و محکمی اقامه نکرد، به دلیل اصل غیبت و حضور نداشتن امام، باید ادعای او دروغ تلقی شود، اما اگر دلیلی اقامه کرد که یقین‌آور بود، یقین حجت است و نمی‌توان یقین را با گمان نقض کرد.

امام خمینی (خمینی، 1373: ج1، 256)، محدث نوری (طبرسی نوری، 1404: ج53، 318)، سیدمحسن خرازی (خرازی، 1418: ج2، شرح ص159)، سیدمحمد صدر (صدر، 1412: ج1، 650، مستوی چهارم) و علی‌اکبر ذاکری (جمعی از نویسندگان، 1382: 72) این دیدگاه را دارند به نظر نگارنده، در میان دیدگاه‌های مثبت توقیع، این دیدگاه قوی‌تر از دیگر گونه‌هاست.

آیت‌الله دوزدوزانی به این دیدگاه اشکال کرده و می‌نویسد: با تصریح امام(ع) و تأکید به این‌که دیدار و مشاهده امکان ندارد، چگونه برای شونده یقین به دیدار فرد با امام(ع) پیدا می‌شود؟ ... با فرض این‌که شیعه از امامش اطاعت می‌کند و گفته او را می‌پذیرد، دیگر یقین به درستی ادعای مدعی پیدا نمی‌کند. پس هر زمان که نقل و حکایتی به او می‌رسد، باید آن را رد کند و تکذیب نماید. بر پایه عمل به وظیفه و در این هنگام، مقید کردن کلام امام(ع) به صورت شک و جه درستی ندارد. (دوزدوزانی، بی‌تا: 74)

این اشکال از خلطی میان سخن امام(عج) و حکایت سخن امام(عج) نشأت گرفته است. توقیع نقل سخن امام است نه خود کلام امام. اگر انسان، کلام امام را بی‌واسطه بشنود، چون سخن معصوم است، قطع‌آور خواهد بود و مقابل آن هیچ سخن دیگری تاب معارضه نخواهد داشت؛ اما وقتی حکایت سخن امام شد از باب صدق العادل است و بیش از ظن افاده نمی‌کند.

اساساً بحث از حجیت خبر واحد به دلیل «حکایت سخن معصوم» بودن است، وگرنه کسی شک ندارد که سخن معصوم حجت است و همین بحث نشان می‌دهد باید میان سخن امام و حکایت سخن امام فرق نهاد. وقتی گفته می‌شود فلان خبر ضعیف است، ناظر به حاکی بودن آن است، وگرنه سخن معصوم، ضعیف و موثق ندارد؛ همه صحیح و حجت است. بنابراین، گفته آقای دوزدوزانی در جایی است که امام بی‌واسطه به انسان بفرماید کسی مرا نمی‌بیند.

در این صورت، هر کس غیر این را بگوید نباید پذیرفت. اما وقتی کسی برای ما نقل می‌کند که امام چنین فرموده است، ظن‌آور می‌شود و حکم آن متفاوت خواهد بود؛ یعنی اگر از جای دیگر قطع آمد، دیگر از این حکایت ظن‌آور باید رفع ید کرد. پس سخن صحیح همان است که آقای دوزدوزانی بعد از تقسیم حکایت‌ها بیان کرده است که می‌گوید:

آنچه با توقیع شریف در تعارض است، همان بخش پنجم از داستان‌ها و حکایات دیدار امام است و آن بخش به قدری نیست که قطع به دیدار و مشاهده امام را پدید آورد و سبب شود که از توقیع شریف دست برداریم. (همو: 55) یعنی ایشان در تعداد حکایت‌ها سخن دارد، اما می‌پذیرد که اگر ملاقات‌ها کثرت داشته باشد، قطع می‌آورد و قطع، موجب رفع ید از توقیع می‌شود.

دیدگاه سوم. راویان موثق

برخی از کسانی که دیدارها را نقل کرده‌اند دارای شخصیتی بسیار بزرگ و قابل اعتماد هستند؛ یعنی مقام آن‌ها کم‌تر از راویان احادیث نیست. بنابراین، دیدارها به لحاظ اعتبار سند، با توقیع قابل معارضه هستند و چون تعداد نقل دیدارها بیش‌تر است، در مقام تعارض، توقیع اگر قابل توجیه نباشد، باید کنار گذاشته شود. لطف‌الله صافی گلپایگانی (صافی گلپایگانی، 1380: ج3،

پاسخ به ده پرسش، 65) و محمدجواد خراسانی (خراسانی، 1378: 93) این نظر را ارائه کرده‌اند. نظرهای دیگری نیز در توقیع ارائه شده که برای اطلاع از آن می‌توان به جنة المأوی و العبقری الحسان مراجعه کرد.

در پایان، تذکر این نکته لازم است که یکی از اشکال‌های محدث نوری بر توقیع که برخی نیز آن را تکرار کرده‌اند این است که شیخ طوسی که خود ناقل این توقیع به شمار می‌رود، به آن عمل نکرده است، اما چنان‌که آقای ذاکری در مقاله خود تحقیق کرده‌اند، این اشکال وارد نیست و تمام حکایت‌های نقل شده در الغیبة للحجة شیخ طوسی مربوط به دوران غیبت صغری است و شیخ طوسی دیداری را از غیبت کبری نقل نکرده است.

نتیجه

از آن‌چه گفته شد معلوم گردید موضوع دیدار با امام عصر(عج) از موضوع‌های مهم و مطرح مهدویت به شمار می‌رود و از ابتدای امامت امام دوازدهم(عج) این بحث مطرح بوده است. وقوع دیدار با امام عصر(عج) در غیبت کبری مورد اتفاق همه اندیشمندان شیعه است و هیچ‌یک از آنان به‌طور مطلق این مسئله را رد نکرده‌اند.

یکی از اشکال‌های معروف مطرح شده در موضوع دیدار با امام زمان(عج) توقیع صادر شده از طرف ایشان برای علی بن محمد سمری است. ظاهر این توقیع وقوع ملاقات را نفی می‌کند اما با تحقیق صورت گرفته معلوم شد: الف) سند توقیع ضعیف است و برای استناد و رد دیدارها حجیت ندارد. ب) در صورت پذیرش حجیت آن، دلالت توقیع تمام نیست و شامل دیدارهای مورد بحث نمی‌شود.

ج) با پذیرش اعتبار و دلالت توقیع، یا دیدارهای صورت گرفته را از باب استثنا می‌پذیریم یا می‌گوییم: توقیع خبر واحد و ظن‌آور است و توان معارضه با یقین حاصل از دیدارها را ندارد. علاوه دیدارها دارای سندهای معتبری هستند و توان معارضه با توقیع را دارند و در صورت معارضه به دلیل کثرت دیدارها ترجیح با دیدارها خواهد بود و وقوع ملاقات ثابت خواهد شد. بنابراین به دلیل نقل‌های معتبر و متعدد ملاقات در دوران غیبت کبری، دیدار با امام مهدی(عج) در این دوران صورت می‌گیرد و دلیلی برای رد این موضوع وجود ندارد.

منابع

1. اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمة فی معرفة الأئمة(ع)، تبریز، انتشارات مکتبه بنی هاشمی، 1381ق.
2. امین، سیدمحسن، أعیان الشیعة، تحقیق: حسن امین، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات، بی‌تا.
3. بحرالعلوم طباطبایی بروجردی نجفی، سیدمحمد مهدی، رجال بحرالعلوم، بی‌جا، بی‌تا، بی‌تا.
4. تبریزی، جواد، صراط النجاة، بی‌جا، بی‌تا، چاپ اول، 1418ق.
5. جمعی از نویسندگان مجله حوزه، چشم به راه مهدی(عج) (مجموعه مقالات)، قم، مؤسسه بوستان کتاب قم، چاپ سوم، 1382ش.
6. حرّ عاملی، محمد بن حسن، اثبات الهداة بالنصوص و المعجزات، تعلیق: ابوطالب تجلیل تبریزی، سه جلدی، قم، مکتبه المحلاتی، 1425ق.
7. حلی، حسن بن یوسف، خلاصة الاقوال، تحقیق: جواد قیومی، قم، مؤسسه نشر الفقاهه، چاپ اول، 1417ق.
8. حلی، سید علی بن موسی (ابن طاوس)، جمال الاسبوع، تک جلدی، قم، انتشارات رضی، بی‌تا.
9. خرازی، سیدمحسن، بداية المعارف الإلهية فی شرح عقائد الإمامية (محمدرضا المظفر)، قم، مؤسسه نشر اسلامی جامعه مدرسین، چاپ پنجم، 1418ق.

10. خراسانی، محمدجواد، مهدی منتظر، تحقیق: سیدجواد میرشفیعی خوانساری، قم، نور الاصفیاء، چاپ نهم، 1378 ش.
11. خمینی، سیدروح‌الله، أنوار الهدایة فی التعلیقة علی الکفایة، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ دوم، 1373 ش.
12. خویی، سیدابوالقاسم، معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الرواة، بی‌جا، بی‌نا، چاپ پنجم، 1413 ق.
13. دوزدوانی، یدالله، تحقیق لطیف حول التوقیع الشریف، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.
14. سند، محمد، گفت‌وگو با مجله علمی _ تخصصی انتظار موعود، قم، مرکز تخصصی مهدویت، سال دوم، ش 3، بهار 1381 ش.
15. شبر، سیدعبدالله، الأنوار اللمعة فی شرح زیارة الجامعة، بیروت، مؤسسة الوفاء، چاپ اول، 1403 ق.
16. صافی گلپایگانی، لطف‌الله، امامت و مهدویت، قم، مؤسسه انتشاراتی حضرت معصومه، چاپ دوم، 1380 ش.
17. _____، مجموعة الرسائل، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.
18. صدر، سیدصدرالدین، المهدي، به اهتمام: سیدباقر خسروشاهی، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ دوم، 1421 ق.
19. صدر، سیدمحمد، تاریخ الغیبة الصغری، بیروت، دارالتعارف بیروت، 1412 ق.
20. _____، تاریخ الغیبة الكبرى، بیروت، دارالتعارف بیروت، 1412 ق.
21. صدوق، محمد بن علی، الخصال، قم، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم، 1403 ق.
22. _____، عیون أخبار الرضا(ع)، انتشارات جهان، بی‌جا، 1378 ق.
23. _____، کمال‌الدین و تمام النعمة، قم، دارالکتب الإسلامية، چاپ دوم، 1395 ق.
24. _____، معانی الأخبار، قم، مؤسسه انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، 1361 ش.
25. طبرسی، ابومنصور احمد بن علی، الإحتجاج، مشهد مقدس، نشر مرتضی، 1403 ق.
26. طبرسی نوری، میرزا حسین، جنة المأوی، چاپ شده در بحارالانوار، ج 53، بیروت، مؤسسة الوفاء، 1404 ق.
27. طوسی، محمد بن حسن، الغیبة للحجة، قم، مؤسسه معارف اسلامی، چاپ اول، 1411 ق.
28. _____، الفهرست، نجف اشرف، مكتبة المرتضوية، بی‌تا.
29. طیب، سیدعبدالحسین، کلم الطیب، تهران، کتاب‌فروشی اسلامی، چاپ سوم، بی‌تا.
30. عراقی میثمی، محمود، دارالسلام، تصحیح: سید محمود زرندی، مقدمه: آقا میرزا فضل‌الله ملک‌الواعظین، تهران، کتاب‌فروشی اسلامی، بی‌تا.
31. قهپایی، عنایت‌الله، مجمع الرجال، تصحیح: سیدضیاء‌الدین اصفهانی، قم، مؤسسه اسماعیلیان، چاپ دوم، 1364 ش (هفت جلد در سه جلد).

32. کلینی رازی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیة، چاپ چهارم، 1365 ش.
33. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار(ع)، بیروت، مؤسسة الوفاء، 1404 ق.
34. مفید، محمد بن محمد بن نعمان، الفصول العشرة فی الغیبة، قم، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، چاپ اول، 1413 ق.
35. _____، الإرشاد، تحقیق: مؤسسة آل البيت ل تحقیق التراث، بیجا، دارالمفید، بی تا.
36. موسوی اصفهانی، سیدمحمدتقی، مکیال المکارم، تحقیق: سیدعلی عاشور، بیروت، مؤسسه علمی، چاپ اول، 1421 ق.
37. نجاشی، احمد بن علی، رجال النجاشی، تحقیق: سیدموسی شبیری زنجانی، قم، مؤسسه انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، 1407 ق.
38. نعمانی، محمد بن ابراهیم، کتاب الغیبة، تهران، مکتبه الصدوق، 1397 ق.
39. نهاوندی، علی اکبر، العبقری الحسان فی احوال مولانا صاحب الزمان(عج)، تحقیق: صادق برزگر بفرویی و حسین احمدی قمی، قم، انتشارات مسجد مقدس جمکران، چاپ اول، 1386 ش.

جواد جعفری

منبع: فصلنامه مشرق موعود شماره 17